

معاون مدرسه کجاست؟

● جواد ماهر
معاون پرورشی مجتمع آموزشی شهید کاوه، زاوه تربت حیدریه

اشاره

در اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی در برنامه‌های درسی ملی آمده است که برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش معلم در هدایت تربیتی برای تقدم تزکیه بر تعلیم، غنی‌سازی محیط یادگیری و ترغیب دانش‌آموزان به یادگیری مستمر توجه کند. در این میان به محیط یادگیری و مدیر مدرسه نیز اشاره شده است. این برنامه‌ی ملی مدیر را نیز معلمی مؤمن، مشارکت‌پذیر و راهبر تربیتی در نظر گرفته است که با برقراری روابط صحیح، تحت شرایطی اختیارات متناسب برای پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری در کلیه امور مدرسه را دارد. سؤالی که پیش می‌آید این است که معاون مدرسه در این سند و در روند تحول بنیادین چه جایگاهی دارد؟ البته بی‌آنکه اصراری بر آوردن این کلمه در اسناد داشته باشیم، می‌توانیم به این نکته پی ببریم که معاون نیز با گذراندن شرایط خاصی هم‌چون مدیر و معلم به محیط یادگیری وارد شده است و همه‌ی شرایط در نظر گرفته شده بر او نیز ساری و جاری است. جواد ماهر، از معاونان پرورشی روستایی شهید کاوه از شهرستان زاوه تربت حیدریه این موضوع را به صورت پرسش مطرح کرده است: «جایگاه معاونان و مربیان پرورشی در سند تحول بنیادین چیست؟» در قسمت اول این اشاره در مورد ارتباط کاری معلم، مدیر و محیط یادگیری (مدرسه) توضیحاتی داده شده است. ما نیز پاسخ‌های اساسی‌تر را به عهده‌ی مسئولان ذی‌ربط خواهیم گذاشت. ماهر می‌گوید: «چندی پیش یکی از همکارانم به مرخصی رفت و کلاس بی معلم ماند و...» مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی به دقت و نگرش این معاون جذب شده است و می‌خواهد بقیه‌ی مطلب را به نقل از او در ادامه بیاورد. این معاون می‌گوید: «تا آمدن معلم بعدی، من این کلاس را چرخاندم. یک ماه لباس آموزگاری را پوشیدم و به جدیت آموزگار پایه‌ی دوم شدم.» آن چه مهم است درک و دریافت این معاون است که هرچند یک ماه تدریس کرده اما به زودی به برداشته‌هایی درباره‌ی کتاب‌ها و درس‌ها رسیده است که در نوع خود قابل توجه است.

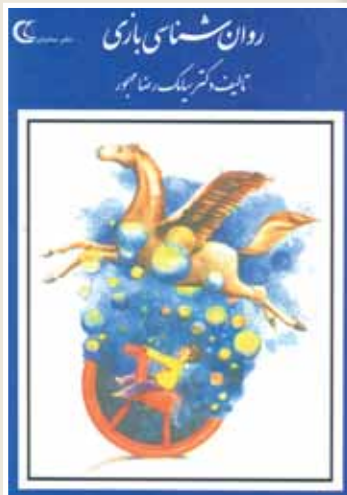
فارسی دوم

من که معاون بودم، یک ماه در پایه‌ی دوم تدریس کردم. در کتاب دوم دبستان، درس پنزدهم سؤال کرده است: «اگر زبان پرنده‌ها را بلد بودی، به آن‌ها چه می‌گفتی؟ در یک خط بنویس.» یکی از دانش‌آموزانم گفت: «من می‌گفتم سلام. چه طوری! کیف می‌کنی که داری پرواز می‌کنی؟»

من نوشته‌اش را با صدای بلند برای کلاس خواندم و زیرش نوشتم: «صد آفرین!» ولی این همه ماجرا نیست. من کتاب‌های دوم را بررسی کردم. با توجه به مفاد برنامه‌ی درسی ملی و سند تحول بنیادین تغییرات بسیاری کرده است. به نظرم خیلی خوب شده است. چون:

✓ تقریباً همه‌ی صفحات ریاضی، بازی است. دانش‌آموز طی یک بازی هدفمند و جذاب یاد می‌گیرد.
✓ یک درس از کتاب علوم را که شروع می‌کنی به تدریس، یک مرتبه تا چشم باز می‌کنی، می‌بینی کتاب با پرسش‌های هدفمند، معلم و دانش‌آموز را به بحثی جذاب و شیرین که به راحتی مفاهیم را آموزش می‌دهد، کشانده است.
✓ کتاب قرآن حرفه‌ای، جذاب و به سبک مکتب خانه‌ای و بر پایه‌ی تکرار و تمرین بنا شده اما سنگین است. به جلسه‌های زیادی برای تدریس نیاز دارد و از طرفی برای دانش‌آموز دوم دبستان سخت هم هست. انگار همه‌ی قرآن را خواسته‌اند در همین یک پایه به دانش‌آموز یاد بدهند.

✓ هنر بد نیست. توصیه‌هایی در مورد انجام دادن برخی کارهای هنری در کلاس دارد. یک معلم خلاق می‌تواند کلاس را اداره کند. می‌ماند کمبود وقت. از وقتی که پنج‌شنبه‌ها را تعطیل کرده‌اند، من که خیلی احساس کمبود وقت می‌کنم. انگار دائم باید بدوم و عجله کنم تا روز تعطیل را جبران کنم. معلم‌ها و دانش‌آموزان هم همین‌طور. زنگ تفریح ده دقیقه‌ای اصلاً ارزش بیرون رفتن ندارد. نه دانش‌آموز به تغذیه و استراحت خود می‌رسد و نه چای معلم سرد می‌شود. دیده‌ام همکارانی که به ناچار برخی زنگ‌های تفریح را حذف می‌کنند و کلاس را ادامه می‌دهند. از طرفی شش ساعت درسی برای دانش‌آموز ابتدایی سنگین است. دوم ابتدایی‌ها که زیر نظر بودند، به‌وضوح می‌دیدم که



روان‌شناسی بازی

مؤلف: سیامک‌رضا مهجوور

ناشر: ساسان (شیراز ۰۶۱-۳۳۵۰۶۱-۰۷۱۱)

نوبت چاپ: دهم، تابستان ۱۳۹۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

به‌نظر متخصصان، بازی از نگاه زیستی نیاز انسان است. انسان برای رشد ذهنی و اجتماعی به تفکر نیاز دارد و بازی، خمیرمایه‌ی تفکر است. در حقیقت، نگرش به بازی به‌عنوان نوعی از فعالیت‌های بدنی و عضلانی نظریاتی را پدید آورده است. برای مثال، عده‌ای آن را انگیزه‌ی مصرف‌بی‌هدف انرژی زیادی بدن می‌دانند و عده‌ای هم نظریه‌ی «آرام‌بخشی» را مطرح کرده‌اند که براساس آن، انرژی مصرف شده از راه بازی تأمین می‌شود. یعنی بدن بعد از مدتی فعالیت خسته می‌شود و برای رفع این خستگی باید فعالیت آرام‌بخش (بازی) انجام دهد. کتاب حاضر در ۱۱ فصل به تعریف بازی، بازی در فرهنگ‌ها، فایده‌ی بازی، بازی و رشد اجتماعی، بازی و ساخت شخصیت، بازی و رشد عاطفی و جسمی و ذهنی، انواع بازی‌ها و در پایان به نظریه‌های آموزشی و بازی می‌پردازد.

اما عده‌ای از نظر آموزشی بر آن خرده می‌گیرند. من معتقدم بیشتر این عیب‌ها به‌خاطر تازگی این نظام است. خانواده‌ها و معلم‌ها خود در نظامی غیر از آن تحصیل کرده‌اند و تا این تغییر را بپذیرند، زمان می‌برد. برای اجرای موفق نظام توصیفی باید سراغ مطالعه‌ی فلسفه و روان‌شناسی رفت. نظام توصیفی، بنیان‌های فلسفی و روان‌شناسی محکمی دارد که با تبیین آن می‌توان به‌اجرای موفق امیدوار بود.

هرچند برخی ایرادات جدی را هم باید برطرف کرد. یکی از این مسائل اتفاقاً ما معاونان و مربیان پرورشی هستیم که درباره‌ی نظام توصیفی آموزش ندیده‌ایم. ما برای انجام وظایف حرفه‌ای خود در نظام توصیفی، باید چگونه عمل کنیم؟ و این آموزش ندیدن گاهی خسارت آفرین است. مثالی واضح در این مورد برگزاری مسابقات قرآنی، فرهنگی و هنری است. ما این مسابقات را هم‌چنان به سبک گذشته برگزار می‌کنیم؛ در حالی که در نظام توصیفی مقایسه و مسابقه با دیگران نداریم. شاید بپرسید پس مسابقات را چگونه برگزار کنیم؟ مسابقه باید به‌جستواره تبدیل شود. مثلاً از هنری‌ها، گروه‌های نمایش دعوت می‌شوند و می‌آیند که در یک جشنواره برای مردم نمایش اجرا کنند و اتفاقاً اگر مردم هم دعوت شوند خیلی خوب است. گروه‌ها اجرا می‌کنند. پس از اجرا، داور یا داوران در جلسه‌ای با بحث و گفت‌وگو با دانش‌آموزان شرکت کننده، نقاط قوت و ضعف گروه‌ها و بازیگران و سایر عوامل را بررسی می‌کنند. یعنی جشنواره در پایان به یک کارگاه تبدیل می‌شود که دانش‌آموزان در آن قوت‌ها و ضعف‌هایشان را می‌شناسند و با شرکت در بحث و آشنایی با داور و نقد، خود به این نتیجه می‌رسند که چه گروهی و چه افرادی، به چه دلیل موفق بوده‌اند. با سایر مسابقات نیز می‌توان چنین کرد و آن‌ها را به‌سمتی برد که در راستای سند تحول، مفید و با کمترین اثر رقابتی منفی برگزار شوند. به‌ویژه در مورد قرآن که چنین رقابت‌ها و حسادت‌ها را بر نمی‌تابد. شاید نیاز باشد در آینده بسیاری مناسبات و روابط فردی و اجتماعی ما به نفع نظام تازه‌ی آموزشی‌مان تغییر یابد. اگر این نظام به تربیت انسان‌های شایسته‌تر کمک می‌کند، باید از این تغییر استقبال کرد. ما معاونان و مربیان پرورشی هم به درک این نظام نو و کسب آموزش‌های لازم و شناخت جایگاه جدیدمان نیازمندیم. پس دست‌اندرکاران باید تأخیر بیش از این را جایز ندانند و در این راه دست بجنبانند و کمک‌مان کنند.

در ساعت ششم دیگر رمق ندارند.

✓ کتاب فارسی دوم خیلی جذاب و دوست‌داشتنی شده است و برای آموزش نگارش و دستور زبان به بچه‌ها تمرین‌های هوشمندانه‌ای دارد. بدون اینکه نکته‌های مستقیم به آن‌ها بگوید. کتاب کار فارسی هم خیلی عالی است. تمرین‌هایی دارد برای آموزش خوش‌نویسی و آموزش نوشتن مثل همین تمرین ابتدای نوشته. برخی بازی‌های زبانی بامزه هم دارد.

ویژگی‌های همه‌ی کتاب‌ها

✓ مهم‌ترین و بهترین ویژگی همه‌ی کتاب‌های جدید دوم ابتدایی این است که خلاقیت بچه‌ها را به رسمیت شناخته و امکان خوبی برای ظهور و بروز آن فراهم کرده است. بروز خلاقیت بچه‌ها باعث می‌شود که کلاس رونق بگیرد و از یک‌نواختی خارج شود.

✓ نکته‌ی جالب دیگر کتاب‌ها از نگاه من، که معاون پرورشی‌ام، این است که علاوه بر آموزش، به پرورش و تربیت دانش‌آموزان هم پرداخته است. مثلاً، درحالی که در یک بحث ریاضی یا علوم غرق هستی، ناگهان کتاب اشاره‌ی تربیتی زیرکانه‌ای می‌کند که اتفاقاً بسیار به موقع و تأثیرگذار است. سر کلاس دوم این احساس به من دست داد که معلم خلاق و دلسوز می‌تواند علاوه بر آموزش، بار پرورش دانش‌آموز را هم به دوش بکشد. از خود پرسیدم اگر این اتفاق بیفتد - که خیلی هم دور از انتظار نیست - آن وقت تکلیف ما معاون‌ها و مربی‌های پرورشی چه می‌شود؟ بسیار مشتاقم یک نفر سند تحول بنیادین خوانده بنشیند روبه‌رویم و جایگاه مرا در سند تحول روشن کند. چون روشن شدن جایگاه پرورشی مهم است! می‌دانید که پنج سال است نظام نمره‌ای جای خود را به نظام توصیفی داده است. معلم‌ها برای اجرای این نظام آموزش دیده‌اند و این نظام اکنون در پایه‌ی اول تا پنجم اجرا می‌شود. اگر بخواهم آن را توضیح دهم می‌گویم: «نظامی است به دور از نمره محوری و مقایسه‌ی فرد با دیگران و بدون ایجاد رقابت منفی. دانش‌آموز تنها با خودش مقایسه می‌شود. اگر نیاز به رقابت باشد با خودش مسابقه می‌دهد و میزان پیشرفت او مثلاً نسبت به دیروزش سنجیده می‌شود و آموزگار به هدایت و توصیف این روند می‌پردازد. به نظر من این نظام، اخلاقی‌تر از نظام نمره‌ای است و اگر درست اجرا شود، آثار تربیتی خوبی دارد. رقابت منفی و حسادت، چشم و هم‌چشمی و غافل شدن از خود و استعدادهای خود کمتر می‌شود.»